

## یادداشت‌های شهر شلوغ

# از تاریخ نگاری صادقانه تا تغییر رفتار افراد در گذر زمان

**[ شهروند ]** هوشیاری، رصد اخبار و تحلیل‌ها و نقل‌قول‌ها همواره باید به‌عنوان یک توصیه در صدر توجه رسانه‌ها و مراکز تولید محتوا باشد. عکس‌العمل سریع به برخی حاشیه‌ها و شایعات می‌تواند راه‌را برانحراف و بی‌اعتمادسازی مردم بیند. از دیگر سو، می‌توان با بررسی‌ها و تحلیل‌های کارشناسانه نقشه راه منسجمی را پیش‌روی سیاستمداران و تصمیم‌سازان قرار داد. قطعات پازل را کامل کرد و با همراهی هم بر تداوم وفاق و همدلی تأکید ورزید. مهم ارزیابی شرایط کنونی، برآورد توانمندی‌ها و آینده‌نگری در حوزه‌های متفاوتی است که منجر به حفظ منافع ملی ما می‌شود....

### ماجرای اعدام‌های سران رژیم گذشته و نهضت آزادی

در تکذیب ادعاهای اخیر محمدتوسلی، دبیرکل سابق نهضت آزادی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد: «اخیراً دبیرکل سابق نهضت آزادی در گفت‌وگو با یک رسانه خبری، در بیان ماجرای اعدام‌های سران رژیم گذشته در اول انقلاب با ادبیات و روایتی در تضاد آشکار با واقعیت‌های تاریخی، مطالبی کاملاً کذب و نادرست به بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی نسبت داده‌اند که صحت ندارد.»

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ضمن تکذیب ادعاهای اخیر محمدتوسلی، دبیرکل سابق نهضت آزادی، اعلام کرد: به‌نظر می‌رسد آنچه در پس از چند دهه از سوی عوامل نهضت آزادی در بیان روایت و تحلیل رویدادها و مسائل دوران انقلاب برخلاف مواضع و اقدامات دوره مسئولیت خود و همفکرانشان ارائه می‌گردد بر جست‌وجوگران حقیقت پوشیده نخواهد ماند. این رویه خلاف اصول بدیهی تاریخ‌نگاری صادقانه‌است.

روابط عمومی مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س) در جوابیه‌ای اعلام کرد:

اخیراً آقای مهندس محمد توسلی، دبیرکل سابق نهضت آزادی، در گفت‌وگوی تاریخ شفاهی دیده‌بان ایران، در بیان ماجرای اعدام‌های سران رژیم گذشته در اول انقلاب با ادبیات و روایتی در تضاد آشکار با واقعیت‌های تاریخی، مطالبی کاملاً کذب و نادرست به بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی نسبت داده‌اند که جهت تنویر افکار عمومی، پاسخ مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی به شرح زیر ارائه می‌گردد

۱. آقای مهندس توسلی به نقل از آقای دکتر

ابراهیم یزدی و اعتراض ایشان به اعدام‌های آقای خلخال، مدعی شده که امام خمینی گفته‌اند «خلخالی شمر انقلاب است و...» این ادعا بی‌اساس و فاقد هرگونه سند و اعتبار بوده و قویاً تکذیب می‌شود.

افزون بر آن، مصاحبه‌های آقای دکتر ابراهیم یزدی درمقاطع مختلف خلاف آن‌را به‌وضوح اثبات می‌نماید. از جمله، دکتر ابراهیم یزدی در مصاحبه با برنامه خشت خام، مورخ ۱۶ آبان ۹۵، در پاسخ به سؤال مجری درباره اینکه: «بعضی از این اعدام‌ها خلاف نظر امام بود؟» می‌گوید: «بله! ولی گروه‌های چپ جمع می‌شدند می‌گفتند: خلخال! اعدام... اعدام، یکی از مشوقین خلخال در این اعدام‌ها خود گروه‌های چپ: حزب توده، مجاهدین، چریک‌ها بودند.» و در این مصاحبه آقای یزدی هیچ اشاره‌ای

به داستان شمر انقلاب ندارد.

۲. دکتر ابراهیم یزدی در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۵۸ در مصاحبه‌ای با شبکه بی‌بی سی با زبان انگلیسی به صراحت از اعدام‌های سران رژیم گذشته دفاع می‌کند و می‌گوید: «همه حرف من این است که آنان مجرم بودند و باید اعدام می‌شدند. نمی‌دانم شما چرا اینقدر نسبت به این موضوع حساس هستید و هرگز نمی‌پرسید این افراد در گذشته چه کرده‌اند؛ اینها هزاران نفر راکشته‌اند. «

همچنین آقای یزدی در پاسخ به این پرسش که پس شما این شیوه مجازات و اعدام را قابل قبول می‌دانید، می‌گوید: «دارم می‌گویم که آنان مستحق این مجازاتند، چون مرتکب جنایت شده‌اند.» ایشان در ادامه با لحنی طنزآلود خطاب به گوینده بی‌بی‌سی می‌گوید: «من توصیه شما را به اطلاع مسئولین خواهم رساند که اینها را با دوازده گلوله نکشند، بلکه با شلیک دوگلوله در سرشان بکشند. من چند تیرانداز ماهر، احتمالاً از انگلستان یا آمریکا، استخدام خواهم کرد که یک گلوله به سرشان بزنند!»

۳. در شرایطی که برخی عوامل نهضت آزادی از جمله آقای ابراهیم یزدی خود از عوامل و همکاران دادگاه انقلاب در اعدام‌های سران رژیم گذشته بوده‌اند و در همان زمان به دنبال نفوذ

## پیدا و پنهان

www.shahrvand-newspaper.ir



خود فراهم می‌کنیم، به‌گواه مشاهده‌های تاریخی، برداشت دقیق و درستی نیست.»

این اقتصاددان ادامه داد: «قدرت‌ها در هر چه ضعیف‌تر کردن ایران، با یکدیگر توافق دارند و بخش اعظم گرفتاری‌های ما و ضربه‌های هولناکی که از درجه امنیت ملی و تمامیت ارضی خورديم، ریشه در عدم شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی خود و عدم شناخت اقتضانات نظام بین‌المللی دارد. همه وجوه این نظام بین‌المللی در ابعاد سیاسی با نظامی منحصر نمی‌شود، بلکه ما حتی از اقتضانات تحولات علمی و فنی هم در حد نصاب آگاهی نداشتیم و ترکیب اینها برای ما ضربه‌های مهلکی به‌همراه داشته‌است.»

مومنی با بیان بخش‌هایی از تاریخ ایران که در آن هر بار خواسته‌ایم برای از بین بردن نفوذ یک کشور به قدرت خارجی دیگری پناه بردیم و بعداً کارنامه این قدرت خارجی جدید چنان بوده که پشیمان شدیم و گفتیم صدر حمت به کشور مسلط قبلی، مانند آنچه در جنگ چالدران شاهد آن بودیم، اظهار داشت: «آنچه در جنگ جهانی اول و دوم و توهم بی‌طرفی که داشتیم، گذشت، به ما این پیام را می‌دهد که باز کردن باب گفت‌وگوهای جدی در این زمینه می‌تواند برای کشور ما خیر داشته‌باشد.»

این اقتصاددان ضمن تشریح مفهوم شاخص «رابطه مبادله» که توان رقابت و توان مقاومت اقتصادهای ملی را می‌سنجد، خاطرنشان کرد: «از نقطه عطف پس از پایان جنگ، ما سوواخ دعا را گم کردیم و در ورطه‌ای افتادیم که نام آن

را «پیشروی در باتلاق» گذاشتم و این پیشروی متأسفانه همچنان ادامه دارد. در ۱۰ ساله اول بعد از پیروزی انقلاب، سال ۱۳۶۷، به دلایل پرشماری که مبتنی بر شوک‌های برون‌زا بوده، ضعیف‌ترین سال عملکرد اقتصادی ایران در دوره بعد از انقلاب بوده‌است.

در فاصله پایان جنگ تا ۱۳۸۹، شاخص رابطه مبادله، نسبت به این وضعیت در ۱۳۶۷، بالغ بر ۳۴ درصد سقوط کرده‌است! در این دوره، نسبت به دوره ۱۰ ساله اول پشت به تولید ملی کردیم و هر حکومتی که به تولید ملی پشت کند و به رانت و ربا و دلالی و سوداگری و واردات محجوری روی آورد، باب مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی و سیاسی‌شان را متناسب با شدت کاری که کرده مسدود می‌کند و بنابراین رابطه میان مردم و حکومت هم از شرایط مطلوب فاصله می‌گیرد.»

مومنی تأکید کرد: «در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، شاخص رابطه مبادله ایران در مقایسه با وضعیت این شاخص در ۱۳۸۹، سقوط ۳۰ درصدی را تجربه کرده است. اکنون اگر بخواهیم رابطه مبتنی بر کرامت انسانی و تحقق وعده‌های انقلاب اسلامی را در داخل داشته باشیم، باید ریل موجود که ریل بازتولید نابرابری‌های ناموجه، مشارکت‌زدایی از مردم در سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان و پشت کردن به بنیه تولید ملی است را تغییر دهیم. این راه نجات است. در خارج از ایران هم راه نجات ایران این است که نه تن به روابط مبتنی به دست‌نشاندهی دهد و نه تن به مناسبات تنش‌آمیز دهد. مناسبات تنش‌آمیز، بستر ساز انداختن ایران در جنبه مناسبات وابستگی است. ظاهری اغواگر دارد و حرف‌های دهان پرکن در آن زیاد زده می‌شود، اما کارکرد آن عمق بخشی به وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج است. نشانه‌های بسیار خطرناکی از این ماجرا اکنون در ایران وجود دارد.»

این استاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه باید پرسید پس اندیشه‌ورزان و نهاد‌های نظارتی این سرزمین چه می‌کنند و در این چند ۱۰ سال حواس ما به چه بوده که از چنین مسئله‌ای غفلت کردیم، گفت: «سند قانون برنامه چهارم، که از درجه امنیت ملی و تمامیت ارضی خورديم، ریشه در عدم شناخت ظرفیت‌ها و محدودیت‌های داخلی خود و عدم شناخت اقتضانات نظام بین‌المللی دارد. همه وجوه این نظام بین‌المللی در ابعاد سیاسی با نظامی منحصر نمی‌شود، بلکه ما حتی از اقتضانات تحولات علمی و فنی برای حد نصاب آگاهی نداشتیم و ترکیب اینها برای ما ضربه‌های مهلکی به‌همراه داشته‌است.»

مومنی با بیان بخش‌هایی از تاریخ ایران که در آن هر بار خواسته‌ایم برای از بین بردن نفوذ یک کشور به قدرت خارجی دیگری پناه بردیم و بعداً کارنامه این قدرت خارجی جدید چنان بوده که پشیمان شدیم و گفتیم صدر حمت به کشور مسلط قبلی، مانند آنچه در جنگ چالدران شاهد آن بودیم، اظهار داشت: «آنچه در جنگ جهانی اول و دوم و توهم بی‌طرفی که داشتیم، گذشت، به ما این پیام را می‌دهد که باز کردن باب گفت‌وگوهای جدی در این زمینه می‌تواند برای کشور ما خیر داشته‌باشد.»

این اقتصاددان ضمن تشریح مفهوم شاخص «رابطه مبادله» که توان رقابت و توان مقاومت اقتصادهای ملی را می‌سنجد، خاطرنشان کرد: «از نقطه عطف پس از پایان جنگ، ما سوواخ دعا را گم کردیم و در ورطه‌ای افتادیم که نام آن

را «پیشروی در باتلاق» گذاشتم و این پیشروی متأسفانه همچنان ادامه دارد. در ۱۰ ساله اول بعد از پیروزی انقلاب، سال ۱۳۶۷، به دلایل پرشماری که مبتنی بر شوک‌های برون‌زا بوده، ضعیف‌ترین سال عملکرد اقتصادی ایران در دوره بعد از انقلاب بوده‌است.

در فاصله پایان جنگ تا ۱۳۸۹، شاخص رابطه مبادله، نسبت به این وضعیت در ۱۳۶۷، بالغ بر ۳۴ درصد سقوط کرده‌است! در این دوره، نسبت به دوره ۱۰ ساله اول پشت به تولید ملی کردیم و هر حکومتی که به تولید ملی پشت کند و به رانت و ربا و دلالی و سوداگری و واردات محجوری روی آورد، باب مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی و سیاسی‌شان را متناسب با شدت کاری که کرده مسدود می‌کند و بنابراین رابطه میان مردم و حکومت هم از شرایط مطلوب فاصله می‌گیرد.»

مومنی تأکید کرد: «در فاصله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، شاخص رابطه مبادله ایران در مقایسه با وضعیت این شاخص در ۱۳۸۹، سقوط ۳۰ درصدی را تجربه کرده است. اکنون اگر بخواهیم رابطه مبتنی بر کرامت انسانی و تحقق وعده‌های انقلاب اسلامی را در داخل داشته باشیم، باید ریل موجود که ریل بازتولید نابرابری‌های ناموجه، مشارکت‌زدایی از مردم در سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان و پشت کردن به بنیه تولید ملی است را تغییر دهیم. این راه نجات است. در خارج از ایران هم راه نجات ایران این است که نه تن به روابط مبتنی به دست‌نشاندهی دهد و نه تن به مناسبات تنش‌آمیز دهد. مناسبات تنش‌آمیز، بستر ساز انداختن ایران در جنبه مناسبات وابستگی است. ظاهری اغواگر دارد و حرف‌های دهان پرکن در آن زیاد زده می‌شود، اما کارکرد آن عمق بخشی به وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج است. نشانه‌های بسیار خطرناکی از این ماجرا اکنون در ایران وجود دارد.»

وی گفت: البته ما باید واقع‌بین باشیم. حکومت‌های اطراف ما ملاحظات خودشان را دارند، اما عمدتاً منافعشان در همکاری با ماست. ایران یک کشور توانمند و پرتوان است و در جای بسیار مهمی قرار دارد، لذا ما گزینه‌های بسیار فراوانی داریم. فقط باید زرنگ باشیم و از آنها استفاده کنیم.

### اقتصاد با تغییر دولت‌ها هم درست نمی‌شود، چه رسد به استیضاح وزیر!

در حالی‌که نمایندگان مجلس تا کمتر از یک هفته دیگر، اقدام به استیضاح وزیر اقتصاد دولت پزشکیان خواهند کرد، یکی از همین نمایندگان مجلس به‌رغم آنکه به‌شدت نسبت‌به وضعیت معیشتی شهروندان اعتراض دارد، معتقد است که راه برون‌رفت از این اوضاع بحرانی، استیضاح وزیر اقتصاد نیست. احمد بیگدلی در این رابطه به رویداد ۲۴ می‌گوید: «نمی‌توان منکر این واقعیت شد که وضعیت بازار ارز، وضعیتی نامساعد است و با توجه به کاهش ارزش پول ملی و افزایش چشمگیر نرخ تورم، متأسفانه شاهد تشدید شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی در جامعه هستیم. اما پرسشی که در آستانه استیضاح عبدالناصر همتی مطرح است، لزوماً پرسش درباره خوب یا بد بودن وضعیت معیشت ملت نیست، بلکه پرسش اصلی این است که عملکرد وزیر اقتصاد در این مدت کوتاهی که از آغاز به‌کار دولت چهاردهم می‌گذرد، چه تأثیری در شکل‌گیری این اوضاع داشته‌است.»

این نماینده عضو کمیسیون اجتماعی مجلس دوازدهم که گفته «شخصاً به وضعیت موجود انتقاد دارم و قطعاً نمی‌توانیم بگوییم وضعیت موجود، وضعیتی قابل قبول است»، در عین حال می‌گوید: «چند سال پیش، در روزهایی که مجلس یازدهم بر سر کار بود و چند ماهی هم از تشکیل دولت سیزدهم می‌گذشت، استیضاح یکی از وزیران وقت مطرح شد و جالب آنکه همین دوستانی که امروز در مجلس دوازدهم به جدر تلاش برای استیضاح وزیر اقتصاد دولت چهاردهم هستند، آن زمان در دفاع از وزیر دولت رئیسی استدلال می‌کردند که درست نیست به فاصله ۷،۶ ماه از تشکیل یک دولت و آغاز به‌کار یک وزیر، اقدام به استیضاح کنیم.»

او با اشاره به این مثال، نتیجه‌گیری کرد که «همین رویکردهای متناقض و تغییر رفتار افراد در گذر زمان و در مواجهه با مسائل مختلف، به‌نحوی نشان‌دهنده انگیزه‌های جناحی و سیاسی آنان است.»

بیگدلی می‌گوید: «درواقع به‌نظر می‌رسد آنچه دست‌کم برخی از متقاضیان استیضاح را به صرافت این انداخته که به هر قیمت آقای همتی را در شرایطی که ۷،۶ ماه بیشتر از آغاز به‌کارش در راس وزارت اقتصاد نگذاشته، استیضاح کنند، انگیزه‌های جناحی است.»

او اضافه کرد: «سؤال من این است که آیا می‌توانیم عملکرد یک بخش‌داری یا دهداری را ظرف ۷،۶ ماه مورد بررسی دقیق قرار دهیم و اقدام به تغییر بخشدار یا دهمار مربوطه کنیم که اکنون می‌خواهیم وزیر اقتصاد را تنها پس از چند ماهه فعالیت در این جایگاه، استیضاح برکنار کنیم؟»

این نماینده مجلس از نمایندگان متقاضی استیضاح درخواست کرد که اگر راه‌کاری برای عبور از این شرایط بحرانی دارند، این راه‌کارها را همان‌طور که رئیس‌جمهور نیز به دفعات تأکید کرده، در اختیار دولت قرار دهند تا مجموعه مسئولان حاکمیتی اعم از اعضای دولت، نمایندگان مجلس، مسئولان عالی قضایی و دیگر مسئولان، نسبت به اجرای این راه‌کارها اقدام کنند.

او همچنین با تأکید بر اینکه «وزیر اقتصاد هنوز در این مدت زمان کوتاه فرصت این را نداشته که سیاست‌ها و برنامه‌هایش را به‌طور کامل اجرا کند»، خواستار تحمل بیشتر متقاضیان استیضاح شد و گفت: «واقعیت این است که با توجه به رویکرد مبتنی بروفاق در دولت آقای پزشکیان، آقای همتی هنوز تیم موداعتماد خود را نیز به‌طور کامل در وزارت اقتصاد مستقر نکرده و هم‌اکنون بسیاری از مدیران ارشد چه در بدنه وزارت اقتصاد و چه در سطح کلان، در مجموعه دولت، همان مدیرانی هستند که در دولت‌های پیشین نیز فعالیت می‌کردند.»

بیگدلی بر این اساس به یک نکته مهم دیگر نیز اشاره کرد و گفت: «به‌تازگی مطلبی در اختیار بنده قرار گرفت که بنا بر آن، ظاهراً عمده محورهای استیضاح آقای همتی به‌عنوان وزیر اقتصاد دولت آقای پزشکیان، همان موارد و محورهایی است که چند سال پیش، در بحث استیضاح آقای خاندوزی به‌عنوان وزیر اقتصاد دولت رئیسی مطرح شد.»

او در نتیجه‌گیری از این مهم گفت: «این مسئله نشان می‌دهد مشکل نه‌تنها با تغییر افراد مرتفع نمی‌شود، بلکه فراتر از آن، مشکل در سطحی است که لزوماً با تغییر دولت‌ها نیز نمی‌توانیم منتظر حل آنها باشیم؛ چراکه بخش عمده این مشکلات کنونی در وضعیت اقتصاد کشور، ناشی از برخی ساختارهای سیاسی است و بخشی از آن نیز ناشی از تحریم‌های اقتصادی و مسائل است که در واقع برآمده از وضعیت کلی سیاسی حاکم بر کشور است.»